

بازنمایی رسانه‌های عربستان سعودی از برنامه هسته‌ای ایران؛ مطالعه موردی شبکه ماهواره‌ای العربیه از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰

خلیل‌اله سردارنیا*، هنگامه البرزی** و محمد ترک‌زاده***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۷	شماره صفحه: ۴۱۹-۴۴۸
-------------------	--------------------------	------------------------	---------------------

هدف از این پژوهش بررسی نحوه بازنمایی عربستان سعودی در شبکه ماهواره‌ای العربیه از برنامه هسته‌ای ایران است. در واقع پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که بازنمایی برنامه هسته‌ای ایران در شبکه ماهواره‌ای العربیه عربستان سعودی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ به چه صورت بوده و چه اهداف و سیاست‌هایی را در این بازنمایی مدنظر داشته است؟ تحقیق حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و براساس اطلاعات کتابخانه‌ای و آرشیو رسانه مورد بحث (العربیه) و با بهره‌گیری از مفهوم امنیتی‌سازی مکتب کینه‌هاگ و بازنمایی و برجسته‌سازی، این موضوع را بررسی کرده است. از نتایج به دست آمده در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تلقین مداخله‌گری ایران در منطقه، خطر آفرین بودن دستیابی به انرژی هسته‌ای ایران، حمایت ایران از گروه‌های شبه‌نظامی، مقابله با جاه‌طلبی و توسعه‌طلبی ایران، حمایت ایران از تروریسم، دامن زدن ایران به تهدیدهای هسته‌ای، غیرصلح‌آمیز خواندن توافق هسته‌ای ایران، مشروعیت بخشی به ادعاهای عربستان و متحدانش، اعمال تحریم‌های بیشتر بر ایران و به وجود آوردن اختلاف‌ها و شکاف بین مردم و حاکمیت در ایران از مهم‌ترین محتواهای ارائه شده این شبکه در خصوص برنامه هسته‌ای ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ نرم؛ امنیتی‌سازی؛ بازنمایی؛ برنامه هسته‌ای؛ شبکه ماهواره‌ای العربیه

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛

Email: sardarnia@shirazu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز؛

Email: hengamehalborzi@yahoo.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز؛

Email: r.torab1392@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و بیستم، زمستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/mr.2023.5608.5320

مقدمه

در دنیای امروز با رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی، همچون اینترنت و ماهواره، معادلات گذشته در تنظیم روابط کشورها تا حدود زیادی به هم خورده و جای خود را به معادلات جدیدی داده است؛ درواقع به جای استفاده مستقیم از زور، توجه به قدرت نرم و به خصوص رسانه‌ها جلب شده است. به طوری که این رسانه‌ها هستند که بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند؛ درحالی که رسانه‌ها نیز صرفاً همچون آینه به انعکاس واقعیت‌ها نمی‌پردازند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. بازنمایی رسانه‌ای از این لحاظ مهم است که شناخت و باور عموم را شکل می‌دهد و به عنوان ابزاری اساسی برای اعمال سیاست قدرت‌های بزرگ به کار می‌رود و یکی از مرسوم‌ترین جنبه‌های جنگ نرم است.

هدف از جنگ رسانه‌ای به عنوان برجسته‌ترین مؤلفه جنگ نرم این است که ایدئولوژی، گروه یا دولتی محکوم شود بدون آنکه استدلالی در محکومیت آنها ذکر شود. به عبارت دیگر، رسانه از قدرت تصویرسازی در جهت تغییر دیدگاه یا اثرگذاری روی افکار عامه بهره‌مند می‌شود. رسانه‌ها با برجسته‌سازی، اشاعه اطلاعات، دستکاری تعمدی و غیره تلاش می‌کنند بر مخاطب تأثیر گذارند.

تقریباً آشنایی هریک از شهروندان خاورمیانه‌ای در برابر حوادث جهان، مرهون رسانه‌هایی است که دنبال می‌کنند و برحسب همین اطلاعات، به تجزیه، تشریح و توضیح اتفاقات گوناگون می‌پردازند. رسانه‌ها با وسایل و حیطة اختیاراتی که دارند و با منحرف کردن حقیقت‌ها و دروغ پراکنی می‌توانند جریان پیشامدها و کارهای متداول به خصوص در زمینه نظامی و میدانی را در ناآرامی‌های منطقه‌ای تغییر دهند. در این بین، رسانه‌های عربی وابسته به شیوخ نفتی حوزه خلیج فارس، سابقه‌ای طولانی در این امر دارند. برای مثال استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی در معرفی رقبای خود به عنوان عامل تهدید در منطقه و جهان از سوی عربستان در امتداد استراتژی‌های جنگ نرم و نیز کاهش هزینه‌های هنگفت نظامی است.

عربستان و ایران به عنوان دو همسایه قدرتمند در منطقه غرب آسیا از دیرباز به دلیل

مسائل سیاسی-ایدئولوژیک اختلاف‌های زیادی داشته‌اند و همین امر باعث شده رابطه پرفرازونشیبی را طی تاریخ با هم داشته باشند و در برخی مقاطع روابط دو کشور با تنش‌هایی همراه باشد. در سال‌های نه‌چندان دور، برخی رویدادها و به‌طور ویژه برنامه هسته‌ای ایران، عامل ایجاد تنش‌های جدیدی در روابط این دو کشور بود که این امر در سطح رسانه‌ای نیز مطرح شد. از این‌رو مسئله اصلی پژوهش پاسخ به این سؤال است که بازنمایی برنامه هسته‌ای ایران در شبکه ماهواره‌ای *العربیه* عربستان سعودی در مقطع زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ به چه صورت بوده و عربستان در این بازنمایی چه اهداف و سیاست‌هایی را مدنظر داشته است؟

تدوین این پژوهش می‌تواند الگویی برای دیگر محققان و دانشجویان با این روش یا دیگر روش‌های مشابه در باب موضوع‌های امنیت‌سازی و بازنمایی باشد. همچنین آشنایی با محصولات رسانه‌ای تدوین شده درخصوص ایران و بررسی و تحلیل دقیق آنها می‌تواند به اعمال سیاست‌های به‌ویژه فرهنگی مناسب از سوی جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت این موضوع یا خنثی‌سازی احتمالی چالش‌ها انجامد.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی با موضوع برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته است اما نظر به کاوش‌های انجام شده در این حیطه، پژوهش جداگانه‌ای وجود ندارد که به موضوع مورد بحث پرداخته باشد. مطالبی به‌صورت پراکنده در تحقیقات زیر قابل دسترسی است که عبارتند از:

۱. تاجیک اسماعیلی و مکی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «رسانه‌های عربی و تفرقه‌آفرینی مذهبی در خاورمیانه؛ مطالعه موردی عملکرد شبکه *العربیه*» در پاسخ به این سؤال که شبکه *العربیه* چگونه زمینه‌ساز تفرقه مذهبی در خاورمیانه شده است، بر این موضوع تأکید دارد که این شبکه تلویزیونی عربستانی بر مؤلفه‌ها و مقوله‌هایی مانند شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی تأکید دارد و این امر به‌رغم توافقنامه برجام است.
۲. مطلبی (۱۳۹۹) در مقاله «رسانه و افکار عمومی؛ بازشناسی عملکرد شبکه *العربیه*

در پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی در جهان عرب؛ ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی را دو فاکتور مهم اکثر رسانه‌های جهان عرب می‌داند. همچنین نقش شبکه *العربیه* را در اثرگذاری بر افکار عمومی جهان عرب با بازنمایی برخی رخدادهای ضدایرانی و شیعی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که این شبکه مبتنی بر ایدئولوژی وهابیت، سیاست ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی را دنبال می‌کند و حتی خطر ایران را برای جهان عرب بیشتر از رژیم صهیونیستی بازنمایی می‌کند.

۳. سرابی، شاکری‌نژاد و جاسم‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله «شیوه استفاده شبکه *العربیه* از شگرد تفرقه‌افکنی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران» این شبکه را به‌عنوان بزرگ‌ترین رقیب رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در جهان عرب معرفی کرده که به‌ویژه پس از اعدام آیت‌الله شیخ نمر از علمای عربستان، هجمه شدیدی را علیه ایران به راه انداخت. طبق نتایج این پژوهش، *العربیه* در استفاده از راهکار تفرقه‌افکنی، دو بعد داخلی و خارجی را مدنظر قرار داده و در تلاش برای ایجاد تفرقه میان ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۴. در پژوهش «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران» دهقانی فیروزآبادی در سال ۱۳۸۶ به توضیح دلایل و دلواپسی‌های اعراب نسبت به برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است و در مورد ترس و بی‌اعتمادی بعضی از کشورهای عربی نسبت به ایران مطالبی نگاشته است. سؤال این مقاله نحوه رویکرد جهان عرب به برنامه هسته‌ای ایران است و اینکه آیا جهان عرب رویکرد واحدی به این برنامه دارد؟ هدف تحقیق طبق این سؤال؛ تبیین و تحلیل رویکرد جهان عرب به برنامه هسته‌ای ایران است. یافته این پژوهش نشان می‌دهد جهان عرب به‌علت منافع ملی ناهماهنگ و ناسازگار رویکرد یکسانی به برنامه هسته‌ای ایران ندارد.

۵. «سیاست‌های مصر و عربستان سعودی در قبال برنامه هسته‌ای ایران»، مقاله‌ای از خیطوس^۱ (نوامبر ۲۰۰۷)، عضو مرکز مطالعات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای جیمز مارتین است. وی برنامه هسته‌ای ایران را یکی از برجسته‌ترین تهدیدها

برای ثبات و امنیت در خاورمیانه می‌داند. وی همچنین به بررسی تاریخچه روابط دیپلماتیک عربستان سعودی و مصر با ایران و اختلاف‌های مصر و عربستان سعودی نیز پرداخته است. یافته‌های این پژوهش عبارتند از: الف) ایران هسته‌ای احتمالاً نفوذ عربستان و مصر را در خاورمیانه تضعیف می‌کند. ب) اگر عربستان سعودی و مصر خود را در محاصره رژیم صهیونیستی و ایران مجهز به سلاح هسته‌ای ببینند، فشار بر آنها برای جستجوی جایگزین‌های امنیتی دیگر به شدت افزایش می‌یابد. ج) سناریوی عربستان سعودی هسته‌ای وجود دارد؛ بعید است که ریاض توانایی‌های هسته‌ای خود را توسعه دهد، اما می‌تواند امکان دستیابی به فناوری تسلیحات هسته‌ای را از منبع دیگری مانند پاکستان بررسی کند.

۶. جسیکا درام^۱ (۲۰۰۸) در مقاله «رقابت برای نفوذ: واکنش عربستان سعودی به پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران»، به بررسی تلاش‌های ایران و عربستان سعودی در پیشبرد تأثیرگذاری بر رویدادهای خاورمیانه و عواقب هسته‌ای شدن دو کشور پرداخته است. یافته‌های پژوهش عبارتند از: حرکت‌های ایران به سمت فناوری هسته‌ای، چه صلح‌آمیز و چه غیرصلح‌آمیز، سایر کشورها را متقاعد می‌کند که انرژی هسته‌ای را نه تنها جذاب‌تر، بلکه گامی ضروری برای همگام شدن در منطقه‌ای به شدت بی‌ثبات بدانند. هر نوع مسابقه هسته‌ای در منطقه، اختلال و بی‌ثباتی را به همراه خواهد داشت که هر دو چشم‌انداز ناخوشایند برای رهبران ایران و عربستان سعودی است.

منابع ذکر شده جدای از ارزشمندی، بیشتر محدود بوده‌اند و تاکنون به صورت مفصل به این موضوع پرداخته نشده است، از این رو پژوهش حاضر می‌تواند با پرداختن به زوایای مخفی بازنمایی ایران در شبکه /عربیّه عربستان، اهداف این کشور را از این بازنمایی نمایان سازد و منبع مفیدی در این زمینه باشد.

۲. مبانی نظری و تعریف مفاهیم

رسانه‌های جمعی این ظرفیت را دارند که توجه مخاطبان را به سمت موضوع‌های معینی سوق دهند، آنها همواره موضوع‌هایی را عرضه و به افراد القا می‌کنند که به چه چیز فکر کنند، از چه چیز با خبر باشند و چه احساسی درباره آن داشته باشند. درواقع رسانه‌ها جهان را برای ما تصویر می‌کنند و به راحتی می‌توانند موضوعی را در صدر اخبار قرار داده و موضوعی را امنیتی سازند. پس هر آنچه رسانه‌ها برای عرضه به نمایش می‌گذارند اصولاً می‌تواند واقعی نباشد. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین و بهترین چارچوبی که می‌توان این نوع نقش‌آفرینی را براساس آن تحلیل کرد، مباحث مربوط به امنیت‌سازی در مکتب کپنهاگ باشد. اساساً مبتنی شدن مباحث این مکتب بر تعریفی وسیع از امنیت و تأکید بر ابعاد و مؤلفه‌های مختلف، این زمینه را برای پژوهشگران ایجاد کرده تا با استفاده از مبانی آن به جزئی‌ترین و حاشیه‌ای‌ترین مسائل امنیت رجوع کرده و آنها را بررسی کنند. مکتب کپنهاگ در مورد طیف وسیعی از مسائل امنیتی دیدگاهی کاملاً نوآورانه و بدیع ارائه داده و به وضوح گفته است پویایی‌های امنیتی دیگر نمی‌تواند تنها به روابط نظامی-سیاسی دو ابرقدرت (هرچند مهم باشند) کاهش یابد. این مکتب از مهم‌ترین مکاتبی است که درخصوص امنیتی‌سازی صحبت کرده است.

اعلام وجود سایر بخش‌های امنیتی به‌غیراز نظامی با مکتب کپنهاگ، امکان وجود مراجع دیگر امنیت به‌جز دولت و وجود دامنه بسیار گسترده‌تری از تهدیدهای امنیتی را فراهم می‌آورد. همچنین مکتب کپنهاگ امنیت را به‌عنوان فرایندی از ساخت اجتماعی تهدیدها تصور می‌کند که شامل بازیگر (عمدتاً نخبگان سیاسی) امنیتی می‌شود که موضوع خاصی را تهدیدی برای بقای موضوع مرجع اعلام می‌کند و استفاده از اقدام‌های فوق‌العاده برای خنثی‌سازی تهدید را مشروعیت می‌بخشد. از دیدگاه بری بوزان یکی از نظریه‌پردازان این مکتب، امنیتی‌سازی صرفاً ابزاری نظری نیست که تحلیل بازیگران را تسهیل می‌کند، بلکه می‌توان امنیتی‌سازی را به‌عنوان روشی سیاسی دید. به عقیده وی روند امنیت چیزی است که در تئوری زبان، عمل

گفتاری نامیده می‌شود و این عمل الزاماً برای نشان دادن یک چیز واقعی نیست بلکه خود گفتار است که عمل نمایشی محسوب می‌شود و درواقع با گفتن کلمات، کاری انجام می‌شود (Buzan, Waever and Wilde, 1998: 24-26). در ادامه برای فهم بهتر موضوع مفهوم امنیتی‌سازی بررسی می‌شود.

۱-۲. امنیتی‌سازی

یکی از پرکاربردترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیم معاصر، امنیتی‌سازی^۱ است که پژوهشگران در تبیین پدیده‌ها و اقدام‌های مختلف امنیتی به کار می‌گیرند. ایده اصلی امنیتی‌سازی آن است که هیچ موضوعی خودبه‌خود امنیتی نیست، بلکه مسائل به شکل امنیتی برساخته می‌شود. از این نگاه، امنیتی‌سازی فرایند موجودیت یافتن یک مسئله به عنوان تهدید است. به عبارت دقیق‌تر امنیتی‌سازی مجموعه مفصل‌بندی شده‌ای از اعمال است که به موجب آن، بازیگر امنیتی‌سازی، عناصر اکتشافی مختلف (از جمله استعاره‌ها، ابزارهای سیاست‌گذاری، گزارش‌های تصویری، قیاس‌ها، عواطف و مانند آن) را با توجه به بافت جامعه بسیج کرده تا شبکه‌ای منسجم از معانی (احساسات، عواطف، اندیشه‌ها و بینش‌ها) درباره آسیب‌پذیری قطعی هدف اصلی را در ذهن مخاطب ساخته و نظر او را با دلایل خود درباره گزینه مطلوب و اقدام‌های مربوط در آن راستا موافق کند.

در شالوده چنین درکی از امنیت، این فرض بر ساخت‌گرایی اجتماعی قرار دارد که تهدیدهای امنیتی مستقل از گفتمانی که آنها را به این عنوان مشخص می‌کند وجود ندارد. ایده‌ها و زبان، واقعیت را تشکیل می‌دهند، بنابراین زبان قبل از امنیت وجود دارد. رسیدگی به چیزی که مسئله امنیتی است، همیشه موضوع انتخابی سیاسی است و این انتخاب از طریق امنیتی‌سازی یعنی رویه گفتمانی برای برچسب زدن به چیزی با یک تهدید امنیتی به فعلیت می‌رسد. به عقیده بوزان امنیتی‌سازی «اساساً فرایندی بین‌الذهانی» است (Ibid., 1998: 30). این روند، مذاکرات جاری بین بازیگری است که موضوعی را در دستور کار قرار می‌دهد و امنیتی‌سازی می‌کند و مخاطبی که مختار است آن را بپذیرد یا نپذیرد.

۲-۲. بازنمایی

یکی دیگر از مفاهیم مهم عصر رسانه‌ها، بازنمایی^۱ است. بازنمایی ابزاری است که با آن، «معنا» ساخته می‌شود و از این نظر یکی از ابزارهای پروژه امنیتی‌سازی به‌شمار می‌رود. بازنمایی تعاریف متعددی دارد از جمله تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی. به این صورت که «معنا» از طریق نشانه‌ها، به‌ویژه زبان تولید می‌شود. همچنین، بازنمایی یکی از معانی اساسی در تحقیقات رسانه‌ای است و دربرگیرنده خط‌مشی‌هایی است که با آن رسانه‌ها اتفاقات و حقایق را نشان می‌دهند. بازنمایی، ترسیمی است که می‌توان واقعیت را معنا کرد. از طریق بازنمایی می‌توان معناهایی که درباره خودمان، دیگران و جهان پیرامون ایجاد شده را با یکدیگر سهیم کرد یا مورد مجادله قرار داد. بازنمایی یعنی نشان دادن واقعیت به‌شکلی خاص در افکار عمومی^۲ به گونه‌ای که باورپذیر باشد. تعریف دیگر بازنمایی چنین است: «نمایاندن و نشان دادن به شیوه قاطع و به‌عبارتی طراحی کردن» (لاکوست و ژیلین، ۱۳۷۸: ۳۴).

از نظر چامسکی انسان‌ها در دنیای هایپر رئال (فراواقعیت) زندگی می‌کنند که در آن نشانه‌ها و رمزهای رسانه‌ای، ارتباط با واقعیت را قطع کرده و خود جایگزین امر واقع شده‌اند (هرمن و چامسکی، ۱۳۸۵: ۵۷). بازنمایی یکی از مهم‌ترین ابزارهای استیلای ایدئولوژی حاکم بر گروه‌های دیگر است که به تداوم استیلا کمک می‌کند. ازسوی دیگر، تلاش برای تغییر در هر سیستم بازنمایی باید به چالش با نیروهای هژمونیک پشتیبان بازنمایی معطوف باشد (Chandler, 2003: 9). آنچه می‌توان از تعاریف بازنمایی به‌دست آورد مبنی بر این است که معنای بازنمایی این نیست که ضرورتاً هر تصویری، ضدواقعیت یا در راستای خصومت باشد، بلکه این است که با استفاده از بازنمایی کوشیده می‌شود تفسیر و تحلیل از واقعیت موردنظر به‌طور آشکار و پنهان به ذهن مخاطبان خود ارسال شود طوری که مخاطب احساس تفاوتی بین این

1. Representaiton Theory

2. Public Opinion

دو نکند. بنابراین بازنمایی حوادث از سوی رسانه‌ها، سوای بحث اخلاقی و غیراخلاقی بودن آن، سوگیری ایدئولوژیک دارد و در راستای تضعیف یا تثبیت قدرت و گفتمان ویژه‌ای گام برمی‌دارد (Hall and Jhally, 2007: 32).

از دیدگاه هال نظریه‌های بازنمایی در سه دسته قرار می‌گیرند: بازتابی،^۱ تعمیدی و برساختی.^۲ بازنمایی بازتابی بر این باور است که کارکرد زبان مانند یک آینه، بازتاب معنای صحیح و دقیقاً منطبق با جهان است. در بازنمایی برساختی ما معانی را می‌سازیم و این عمل را با نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم (Hall, 1997: 24). در بازنمایی تعمیدی که مورد استفاده این پژوهش نیز است، کلمات، معنایی را که واقعاً مؤلف قصد انتقال آن را دارد، با خود حمل می‌کند. این نظریه درباره بازنمایی این‌گونه استدلال می‌کند که این گوینده یا مؤلف است که معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان بر جهان تحمیل می‌کند. لغات همان معنایی را می‌دهد که مؤلف می‌خواهد، این همان نظریه نیت‌گر است. براساس این دیدگاه، ما زبان را برای بیان یا انتقال چیزهایی به کار می‌بریم که مختص یا منحصر به خودمان، یعنی منحصر به نحوه نگاهمان به جهان است.

درواقع طبق این رویکرد، معنا آن چیزی است که گوینده، هنرمند یا نویسنده نیت گفتنش را در سر می‌پروراند و زبان، بازگوکننده این اهداف و خواسته‌هاست. این رویکرد را به‌خصوص در سنت‌های هرمنوتیکی فردریچ شلایرماخر و ویلهلم دیلتای^۴ که فهم را پیدا کردن ذهنیت مؤلف به حساب می‌آورند و نیز نظریه‌های پدیدارشناسانه می‌توان تمیز داد (خالق‌پناه، ۱۳۸۸: ۱۶۴). در این خط‌مشی، معنای ابژه‌ها، افراد، اندیشه‌ها یا اتفاقات در جهان واقعی پنهان است و عملکرد زبان مانند یک آینه، انعکاس دادن معنای واقعی اشیایی است که از ذات آنهاست، اما بر محور نگرش نیت‌مندی، واژه‌ها آن معنایی را دارند که گوینده می‌خواهد به آن برسد (Ibid., 2003: 24). در جهت پیشبرد

1. The Reflective Theories

2. The Intentional Theories

3. The Constructive Theories

4. Friedrich Schleiermacher and Wilhelm Dilthey

اهداف امنیتی‌سازی هر موضوع یا پیرنگ کردن اقدام و کاری برای جلب و جذب افکار عمومی، رسانه‌ها گاهی دست به برجسته‌سازی نیز می‌زنند.

۲-۳. برجسته‌سازی

برجسته‌سازی^۱ از مفاهیمی است که در مطالعات رسانه‌ای از آن زیاد استفاده می‌شود. دونالد شاو و مکسول مک کامبز^۲ واضعان نظریه برجسته‌سازی در سال ۱۹۷۲ هستند. «برجسته‌سازی» ادعای اثرگذاری رسانه‌ها بر آگاهی و درک مردم و مشخص کردن اولویت‌های ذهنی آنان از طریق گزینش و برجسته‌سازی برخی از عناوین و اتفاقات به صورت خبر و گزارش خبری است. بدین معنا که رسانه‌ها با برجسته کردن برخی عنوان‌ها و اتفاقات، شناخت و آگاهی‌های مردم را مورد تأثیر قرار می‌دهند. هرچند قادر نیستند مشخص کنند که افراد «چگونه» تفکر کنند، اما قادرند مشخص کنند که «درباره چه» فکر کنند.

غرض از برجسته‌سازی این است که رسانه‌ها به خصوص در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، چنین توانایی دارند که اعتنای عموم را به دسته‌ای از موضوع‌ها و مسائل مشخص و محدود جلب کنند و از مسائل و موضوع‌های دیگر صرف نظر کنند. نتیجه این عمل چنین می‌شود که برخی از قضایای ویژه با خیل عظیمی از مردم در منظر عمومی و بیرون از حوزه رسانه‌ها به مناقشه گذاشته می‌شود، در صورتی که توجهی به قضایا و موضوع‌های دیگر نمی‌شود (سالیوان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۶).

برای فهم بهتر مطالب و به دلیل اینکه تمام این ابزارها و استراتژی‌ها مشمول مفاهیم کلی قدرت نرم و جنگ رسانه‌ای است این دو مفهوم نیز بررسی خواهد شد.

۲-۴. قدرت نرم

قدرت نرم^۳ «توانایی جذب است نه از طریق اجبار، تهدید نظامی و فشار اقتصادی و نه با دادن رشوه و ارائه پول برای خرید حمایت و وفاداری، بلکه از طریق واداشتن

1. Agenda- setting Theory

2. Donald Shaw and Max McCombs

دیگران به پذیرش خواسته‌های خود» (Nye, 2008: 20).

قدرت نرم از جذابیت فرهنگی هر کشور و آرمان‌های سیاسی و سیاست‌هایی که آن کشور دنبال می‌کند، ناشی می‌شود. وقتی دیگران را وادار می‌کنیم آرمان‌های ما را تحسین کنند، آنها را به انجام خواسته‌های خود وادار کرده‌ایم پس مجبور نخواهیم بود که این همه برای منابع سیاست سنتی هزینه کنیم، یعنی برای اجبار نظامی و انگیزه اقتصادی (Ibid.: 21). رابرت گیتس، وزیر دفاع سابق ایالات متحده، جنگ نرم را با توجه به سابقه نظامی خود تعریف کرده و آن را به‌عنوان «توانایی تعریف و هدایت رفتار به‌جای تحمیل اراده» توصیف کرد.^۱

۵-۲. جنگ رسانه‌ای

یکی از تعریف‌های «جنگ رسانه‌ای»^۲ استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به‌منظور دفاع از منافع ملی است. جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به‌صورت غیررسمی ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره می‌گیرد. هدف از جنگ رسانه‌ای بهره‌گیری از رسانه‌ها برای تضعیف هدف مورد نظر و کسب منافع برای خود، اعم از رسانه‌های نوشتاری، دیداری، شنیداری و به‌کارگیری اصول تبلیغات و عملیات روانی است.

از این‌رو در این پژوهش با استفاده از نظریات و مفاهیم یادشده به نقش مهم رسانه‌ها در پیشبرد سیاست دولت‌ها در جهت کسب منافع یا تقابل با رقبا پرداخته می‌شود.

1. <http://centcom.ahp.us.army.mil/index2.php?option=com>

2. Media War

۳. روش پژوهش

رویکرد این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی با روش تحلیل محتوای کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت تلفیقی بیشتر از نوع اسنادی و همچنین بررسی مطالب رسانه مورد بحث است. سعی شده با بهره‌گیری از منابع و اسناد نوشتاری و تصویری، بایگانی و آرشیو شبکه مورد بحث، پایگاه‌های اینترنتی و جدیدترین دستاوردها و مقالات موجود به گردآوری مطالب و نقد و بررسی مباحث پرداخته شود.

واحد تحلیل در پژوهش، مطالبی شامل خبر، گزارش، مصاحبه و مستند است که در زمینه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از شبکه العربیه طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ پخش شده است. به طوری که سعی شده مهم‌ترین و مفصل‌ترین برنامه‌هایی که هر سال در شبکه العربیه به این موضوع اختصاص داده، بررسی شود. از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به عدم دسترسی مستقیم به آرشیو، سایت و صفحات مجازی این شبکه به علت فیلترینگ اشاره کرد. با این حال برای این کار با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند سعی شد مهم‌ترین برنامه‌هایی که در این زمینه تدوین و ارائه شده بررسی شود. در نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی، واحدها با هدف قبلی و به صورت ذهنی انتخاب شدند. لذا از بین صدها خبر و برنامه‌ای که طی این سال‌ها در شبکه العربیه در خصوص موضوع هسته‌ای ایران تدوین و ارائه شد، ۱۰ برنامه که به طور مفصل به این قضیه پرداخته مورد بررسی قرار گرفته و برای نمونه پنج مورد از مهم‌ترین بخش‌های آن در متن تحقیق ارائه شده است.

۳-۱. قدرت نرم عربستان سعودی

امروزه، سعودی‌ها از بانفوذترین صاحبان رسانه‌ها در غرب آسیا هستند و نهاد مذهبی محافظه‌کار آن، به عنوان نیروی لابی قدرتمند علیه پوشش فعالانه موضوع‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عمل می‌کند. این واقعیت که اکثر سهام‌داران سعودی در بازار رسانه‌های عربی با خانواده سلطنتی مرتبط هستند به این معنا است که آنها تأثیر زیادی بر نوع محتوای برنامه‌های خبری دارند و بنابراین می‌توانند و می‌خواهند گفتمان سیاسی در منطقه را به نفع خود شکل دهند.

براساس متون مختلف، برآورد شده است که عربستان سعودی در دو دهه گذشته حداقل ۸۷ میلیارد دلار برای تبلیغ وهابیت در خارج از کشور هزینه کرده است. درواقع صدور وهابیت شیوه‌ای است که عربستان با آن به دنبال مهار ایران به عنوان رقیبی بزرگ برای نفوذ خود در غرب آسیا است (Taylor, 2015). این بودجه بیشتر صرف هزینه‌های ساخت و راه اندازی مؤسسه‌های مذهبی (مدرسه، مساجد و غیره) می‌شود که وهابیت را موعظه می‌کنند. این بودجه همچنین برای آموزش ائمه، تسلط بر رسانه‌های جمعی و نشریات و توزیع کتب درسی وهابی اختصاص می‌یابد. در برخی کشورهای مسلمان، مدارس و کالج‌های تحت حمایت وهابی تنها آموزش موجود هستند. بنابراین بهره‌برداری از نفت، عربستان سعودی را قادر ساخته که پیام خود را در سراسر جهان اسلام و جوامع اقلیت اسلامی، از جمله اروپا و آمریکای شمالی، منتقل کند (Lewis, 2003: 126).

شواهدی از طرح قدرت نرم عربستان سعودی در بسیاری از کشورهای غربی نیز قابل مشاهده است. همان‌طور که جوزف نای توضیح می‌دهد، قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است. عربستان سعودی فرهنگ سنتی و مذهبی جذابی دارد و حتی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی که کیفیت آموزش عمومی در آنها بالا است، مؤسسه‌های وهابی عربستان سعودی مکانی را برای خانواده‌های مسلمان فراهم می‌کنند که بتوانند آموزش اسلامی دریافت کنند. چنین مؤسسه‌هایی شامل «مدارس خصوصی، مساجد، اردوگاه‌های تعطیلات و زندان‌ها و ...» می‌شود (Lewis, 2003: 127).

۲-۳. ظرفیت رسانه‌ای عربستان در تقابل با ایران

قبلاً اشاره شد که عربستان و ایران به دلیل رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک، تاریخ روابط پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند. در مقاطعی که روابط دو کشور تنش‌زا بوده است، دو طرف در تلاش بوده‌اند برای دستیابی به منافع خود با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی به تقابل با هم بپردازند. در این مواقع عربستان همواره تلاش داشته است تا با دستاویز قرار دادن فعالیت‌های ایران در منطقه، تهران را بازیگری مخرب

معرفی کند. در راستای این هدف، این کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای و منابع مالی کافی تلاش کرده تا از دیپلماسی عمومی برای کمک به ایران‌هراسی و تشریح فشارها و رفتارها علیه تهران بهره برد. در این خصوص بررسی دو طرح مهم این کشور که با همکاری ایالات متحده آمریکا و با هدف مهار و انزوای ایران برنامه‌ریزی شده جالب توجه است.

دو طرح موازی عنکبوت و نمرود از جمله پروژه‌هایی بودند که عربستان برای مبارزه با ایران در اوایل سال ۲۰۱۷ به تیم دونالد ترامپ ارائه کرد. این طرح‌ها بخشی از طرح کلی «چارچوب شراکت راهبردی قرن بیست‌ویکم بین ایالات متحده و پادشاهی عربی سعودی» است که ریاض در ژوئن ۲۰۱۷ (بهار ۱۳۹۶) به ترامپ در سفر به عربستان ارائه کرده است و هدف از آن بی‌ثباتی در ایران تا پایین‌ترین حد ممکن و تلاش برای مطیع کردن ایران بود.^۱

الف) طرح عنکبوت

پروژه «عنکبوت» با هدف استفاده از قابلیت‌های مختلف جنگ نرم برای بی‌ثبات کردن ایران بود. یکی از ابزارهای اتخاذ شده در این پروژه، سازمان‌دهی جنگ‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، سایبری، رسانه‌ای، روانی و حقوقی با هدف تغییر نظام در ایران ذکر شده است تا به نظامی تبدیل شود که «از تروریسم حمایت نمی‌کند، ثبات کشورهای همسایه را تهدید نمی‌کند و به دنبال توسعه قابلیت‌های نظامی هسته‌ای نیست». کار روی برنامه عنکبوت در دو مسیر موازی پیش می‌رفت: اولی که مدت‌ش سه سال و هدفش در میان‌مدت بی‌ثباتی در ایران و تغییر نظام در بلندمدت است و مسیر دوم، کوتاه‌مدت با سقف دوازده ماه تعیین شد و هدف از آن «ارسال پیام به سران [کشور] ایران است مبنی بر اینکه تاوان دخالت‌هایشان را در منطقه خواهند داد و طرف مقابل [آنها] قدرت بازدارندگی دارد» (الأخبار، ۲۰۱۹).

1. https://www.al-akhbar.com/KSALeaks_Iran/277163/

ب) طرح نمرود

دومین برنامه، نمرود نام داشت که هدف اصلی آن «مقابله با سیاست‌های ایران و ادامه انزوای ایران در جهان» معرفی شد. دامنه کار در این پروژه سعودی در درجه اول رسانه‌ای است، زیرا مبتنی بر راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای با هدف افزایش آگاهی از خطراتی است که نظام ایران برای امنیت منطقه و جهان ایجاد می‌کند. براساس این طرح برخی فعالیت‌هایی که انجام شده یا در آینده انجام خواهد شد به شرح زیر است

- سایت Iran Tag به رصد رسانه‌ها به‌ویژه کانال‌های تلویزیونی و اظهارات ارکان حکومت ایران در کنفرانس‌ها و نشست‌ها می‌پردازد و آنها را به انگلیسی ترجمه کرده و هدف از آن برملا کردن اقدام‌های حکومت ایران در برابر افکار عمومی است؛

- ایجاد خبرگزاری و انتشار اخبار ایران به زبان فارسی؛

- ایجاد کانال‌های تلویزیونی فارسی‌زبان؛

- حساب کاربری @Iranianaffairs که به زبان‌های عربی، انگلیسی و فارسی توثیق می‌کند و مدیران این حساب کاربری حملاتی را در توئیتر به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب ایران انجام دادند تا به گفته این سند «واقعیت حکومت ایران و جنایت‌های تروریستی و حمایت‌های مذهب‌گرایانه این کشور در سراسر جهان را افشا کنند» (الأخبار، ۲۰۱۹).

همان‌گونه که گفته شد تأسیس رسانه‌های تصویری به زبان‌های مختلف به‌خصوص فارسی ازجمله اقدام‌های رسانه‌ای عربستان سعودی برای برجسته کردن موضوع‌هایی چون توسعه‌طلبی منطقه‌ای تهران و مطرح کردن ایران به‌عنوان تهدیدی سیاسی در افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی بوده است. *العربیّه*، *الندیندنت* فارسی و *ام.بی.سی* رسانه‌های فارسی‌زبانی هستند که با پول و ایده سعودی‌ها به‌منظور تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند. پیش از این نیز شرق/الوسط متعلق به عربستان، وبسایتی به زبان فارسی راه‌اندازی کرده بود. درواقع می‌توان گفت این شبکه‌ها به میدان مبارزه‌ای برای جنگ‌های نیابتی در غرب آسیا تبدیل شده‌اند. برخی بر این باورند که نمونه دیگری از

اقدام‌های ضدایرانی عربستان سعودی را می‌توان به افتتاح شبکه‌های تلویزیونی با حمایت ریاض از برخی رسانه‌ها مانند *ایران/اینترنشنال* مرتبط دانست که فراتر از روش‌های پیشین رسانه‌ای، در پی بازنمایی منفی جمهوری اسلامی ایران و حمایت از ناآرامی‌های داخلی و تشدید مشکلات درونی ایران هستند (Kamali Dehghan, 2018).

۱-۲-۳. شبکه العربیه

العربیه یک کانال خبری تلویزیونی بین‌المللی عربی است. مقر اصلی این شبکه در شهر رسانه‌ای دبی قرار دارد. این شبکه تلویزیونی از ۳ مارس ۲۰۰۳ با سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون دلاری آغاز به کار کرد. سرمایه‌گذار اصلی برای راه‌اندازی این شبکه، ولید بن ابراهیم مالک گروه ام. بی. سی بود. شبکه *العربیه* که یک کانال رایگان است، هر ساعت یک برنامه خبری استاندارد و همچنین برنامه‌های گفتگو و مستند پخش می‌کند. وبسایت این سازمان خبری به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو و فارسی در دسترس است. این شبکه بر گزارش‌های تحقیقی، عمدتاً در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران تمرکز دارد.^۱ می‌توان گفت *العربیه* یکی از ابزارهای جنگ رسانه‌ای عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران است.

شبکه *العربیه* تنها شبکه عرب زبان منطقه است که در مقطع زمانی مورد بررسی در پژوهش به‌هنگام پخش گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران از واژه «الازمه» به معنای «بحران» استفاده کرده است. همچنین این شبکه در گزارش‌های خبری خود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران از مواجهه جامعه جهانی با جمهوری اسلامی سخن گفته است. هدف *العربیه* ایجاد جو روانی و فضا سازی علیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران در قالب برج‌ام بوده است. تحلیل‌ها و اخبار این شبکه به‌گونه‌ای بوده است که این انگاره را در ذهن ملت‌های منطقه شکل دهد که ایران در صدد تولید سلاح هسته‌ای در قالب برج‌ام است. این شیوه همواره از سوی رسانه‌های رژیم صهیونیستی نیز تعقیب می‌شود. از دیگر فعالیت‌های *العربیه* همسو با جنگ

1. <https://english.alarabiya.net/webtv/programs/inside-iran.html>, Alarabiya.net.

رسانه‌ای، مصاحبه با مخالفان و معارضان جمهوری اسلامی ایران و پخش نوارهای ویدئویی فعالیت‌های تروریستی علیه نیروهای نظامی ایران بوده است.

۲-۳. بازنمایی‌های شبکه العربیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران

برنامه هسته‌ای ایران یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای است که توجه تمام رسانه‌ها را به خود معطوف کرده است. در این بین، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به سبب منافع ملی ناهماهنگ و ناسازگار، جهت‌گیری مختلفی نسبت به این موضوع به کار برده‌اند.

درحالی‌که آمریکا برای بازداشتن ایران از تداوم سیاست‌های کنونی خود گزینه‌های مختلفی از جمله تهدیدهای نرم، تحریم‌های اقتصادی بیشتر، اعمال فشار منطقه‌ای و بین‌المللی و حتی گزینه نظامی را مدنظر قرار می‌دهد، عربستان سعودی رویکردی موازی - اما نه دقیقاً مشابه - برای ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران به کار برده است (Heydarian, 2010:8-11).

سعودی‌ها بیشتر در پی ایجاد توازن قدرتی ظریف در مقابل ایران هستند و به رویارویی با ایران تمایلی ندارند. بنابراین، آنها تلاش می‌کنند تا با استفاده از راهکارهای جنگ رسانه‌ای در قالبی نرم به مقابله با ایران بپردازند که یکی از این موارد، سیاست مقابله‌جویانه رسانه‌ای عربستان در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و عملکرد شبکه العربیه بوده است که به عربستان سعودی تعلق دارد.

نگاهی به آرشیو برنامه‌های این شبکه طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی نشان می‌دهد صدها برنامه به موضوع برنامه هسته‌ای ایران پرداخته که در قالب اخبار، گزارش، مستند، گفتگو و مصاحبه پخش و منتشر شده است. با بررسی این برنامه‌ها مؤلفه‌هایی مانند تحریک در باب فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ایجاد ایران‌هراسی، جنگ روانی در مورد همکاری ایران با بعضی کشورهای منطقه، تریبون دادن به مخالفان جمهوری اسلامی ایران مانند منافقان، محور اصلی خبرها و گزارش‌های این شبکه درباره مسئله هسته‌ای ایران بوده است. این شبکه همچنین همسو با سیاست مشروعیت‌سازی عربستان برای اقدام‌های خود، وسیله‌ای برای توجیه سیاست‌های سازش‌کارانه این کشور با غرب و رژیم صهیونیستی است. درواقع با توجه به موضوع

مورد بحث تحقیق، هدف این رسانه از یک طرف برجسته‌سازی اقدام‌های مثبت عربستان در منطقه و از طرف دیگر منفی‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده است. گفتنی است مقطع زمانی مورد بررسی در این پژوهش، بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ بوده و قطعاً اظهار نظر در خصوص موضع این شبکه و کشور عربستان در قبال ایران، در مقاطع زمانی دیگر، نیازمند بررسی‌ها و پژوهش‌های دیگر است. در ادامه و در یک جدول، مهم‌ترین محورهای اصلی و فرعی مطالب منتشر شده این شبکه طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰ علیه برنامه هسته‌ای ایران ذکر شده و رویکرد رسانه‌ای حاکم بر آنها مشخص شده است. برای این کار بیش از ۱۰ مورد از مهم‌ترین و مفصل‌ترین برنامه‌های این رسانه از بسترهای مختلف در اینترنت و فضای مجازی جمع‌آوری شد و پس از بررسی، کدهای مهم آن استخراج و در قالب مقوله‌های فرعی و اصلی بیان شده است.

جدول ۱. محتوای شبکه العربیه درخصوص برنامه هسته‌ای ایران (۲۰۲۰-۲۰۱۷)

محتوای اصلی	محورهای فرعی	کد	نمونه محتوا
ایران تهدید کننده منافع جهانی	ویرانگر بودن پروژه هسته‌ای ایران	ایران هسته‌ای	در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بحران جهانی ایجاد می‌شود (برجسته‌سازی)
	ایران ایجاد کننده بحران جهانی	جنگ	با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای احتمال وقوع جنگ بزرگ و تخریب کل منطقه وجود دارد (برجسته‌سازی)
	پروژه‌های خطرناک ایران در منطقه	ویرانگر	
	تهدیدهای ایران برای منطقه	بحران جهانی	ایران در خاورمیانه خطر واقعی است (برجسته‌سازی و بازنمایی تعمدی منفی)
	ماهیت خطرآفرین ایران		
	ایران عامل بی‌ثبات‌ساز منطقه	پروژه‌های خطرناک	پروژه‌های خطرناکی در خاورمیانه وجود دارد که مهم‌ترین آنها تهدید ایران است (برجسته‌سازی)
	خطرآفرین بودن ایران هسته‌ای	تهدید منطقه	تأسیسات هسته‌ای ایران از لحاظ قرارگیری در جای زلزله‌خیز حادثه‌آفرین و خطرناک است (بازنمایی تعمدی منفی)
	تأسیسات هسته‌ای حادثه‌آفرین ایران	خطرآفرین	
		عامل بی‌ثبات‌ساز	
		تأسیسات هسته‌ای	

محورهای اصلی	محورهای فرعی	کد	نمونه محتوا
نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران	نظامی بودن فعالیت‌های ایران انکار و مخفی کاری‌های ایران برای تولید تسلیحات هسته‌ای خطر وقوع جنگ هسته‌ای با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای استفاده ایران از سلاح هسته‌ای برای رسیدن به اهداف خطرناک	فعالیت نظامی سلاح هسته‌ای مخفی کاری بمب اتم جنگ هسته‌ای اهداف خطرناک پروژه‌های مخرب کشتار	ایران روی پروژه‌های مخربی کار می‌کند (بازنمایی تعمدی منفی) اگر ایران بمب اتمی داشته باشد، ابتدا انکار و سپس توجیه می‌کند (بازنمایی تعمدی منفی) دستیابی ایران به بمب اتم نزدیک است (برجسته‌سازی و بازنمایی تعمدی منفی) افزایش قدرت کشتار دیگران در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای وجود دارد (برجسته‌سازی) استفاده ایران از هر وسیله‌ای حتی سلاح هسته‌ای برای دستیابی به اهدافش ممکن است (برجسته‌سازی)
توسعه طلبی و جاه طلبی نظام جمهوری اسلامی ایران	القای تندرو بودن سیاست‌مداران جمهوری اسلامی عدم پابندی ایران به توافقات بین المللی توسعه طلبی منطقه‌ای و بین المللی ایران جاه طلبی‌های ایران در منطقه ظلم به مردم برای دستیابی به اهداف نظامی	هلال شیعی تندروی عدم پابندی توسعه طلبی جاه طلبی	سلاح اگر در دست گروهک‌های فرقه‌ای باشد، خطری واقعی است (بازنمایی تعمدی منفی و برجسته‌سازی) ظلم به مردم مشخص است (بازنمایی تعمدی و برجسته‌سازی)

محتوا	کد	محورهای فرعی	محورهای اصلی
حمایت عربستان از تلاش‌های بین‌المللی در راستای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای (برجسته‌سازی)	تلاش‌های بین‌المللی	نقش مثبت عربستان برای خنثی کردن تهدیدهای ایران	نقش مثبت عربستان در منطقه و علیه ایران
پیشگیری از دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای لازم است و دستیابی ایران به این انرژی موجب شعله‌ور شدن جنگی همچون جنگ جهانی دوم می‌شود (برجسته‌سازی و بازنمایی تعمدی)	همکاری احساس نگرانی جنگ	ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه ایران	
	ائتلاف	نگرانی شدید عربستان از سیاست‌های ایران	
	تلاش برای صلح	همسویی با مردم ایران در تقابل با حاکمیت	
عربستان «نبرد خود را در ایران» انجام خواهد داد (برجسته‌سازی)	ایران خطرناک تهدید ایران		

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌گونه که گفته شد طی سال‌های ذکر شده برنامه‌ها، اخبار و مصاحبه‌های متعدد و متنوعی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران در شبکه‌ها و سایت‌های خارجی ارائه شد. در این میان رسانه العربیه صدها گزارش، خبر و مستند را به این موضوع اختصاص داده است. با بررسی محتوای بیش از ۱۰ مورد از مهم‌ترین این برنامه‌ها و گزارش‌ها که مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران بوده است و با توجه به بعد نظری پژوهش به‌طورکلی ۳۰ کد، ۲۱ محور یا مقوله فرعی و درنهایت چهار محور اصلی استخراج شد. در این بررسی مشخص شد رویکرد حاکم بر هرکدام از این محورهای اصلی چه بوده است و پنج مورد از مهم‌ترین آنها برای فهم بیشتر موضوع و به‌عنوان مصداق در ادامه این بخش بیان شده است. می‌توان گفت با توجه به بررسی و تحلیل مطالب

مربوط به برنامه هسته‌ای ایران طی سال‌های مورد مطالعه، العربیه نوعی گفتمان ایران‌هراسی را دنبال کرده است. در جهت این هدف برنامه‌ها و محتواهای تولید شده این شبکه در این سال‌ها و درخصوص موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران حامل چهار مؤلفه: ۱. ایران تهدیدکننده منافع جهانی؛ ۲. نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران؛ ۳. توسعه‌طلبی و جاه‌طلبی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۴. نقش مثبت عربستان در منطقه و در تقابل با ایران، بوده است. درواقع رسانه العربیه با غیرصلح‌آمیز نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران سعی در مشروعیت‌زدایی و امنیتی ساختن آن داشته است و برای این کار از روش‌های رسانه‌ای بازنمایی منفی و برجسته‌سازی استفاده کرده است.

۱. در گفتگویی که این شبکه از دیدار رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل مکرون و محمدبن‌سلمان ولیعهد عربستان سعودی پخش کرد؛ سخنان انتقادی و منفی محمدبن‌سلمان را در قبال جمهوری اسلامی ایران با تیتروایی به‌عنوان خبر فوری و مهم بازگو می‌کرد. مهم‌ترین آنها که به‌طور مستقیم به جمهوری اسلامی ایران ارتباط داشت عبارتند از: «هناک مشارع هدامه فی الشرق الأوسط أبرزها الخطر الإيراني: پروژه‌های مخربی در خاورمیانه وجود دارد که مهم‌ترین آنها تهدید ایران است». وی ایران را با جمله «مشارع هدامه» به‌عنوان یکی از پروژه‌های مخرب در خاورمیانه با عبارت «أبرزها الخطر: مهم‌ترین خطرها» بازنمایی منفی می‌کند. سپس بیان می‌کند «ایران تمثیل خط را حقیقیا و تعمل علی مشارع هدامه خدمت لمصالحها؛ ایران یک خطر واقعی است و روی پروژه‌های مخربی کار می‌کند که منافع خود را تأمین کند». با توجه به نظریات مطرح شده در ابتدای پژوهش، در این قسمت از سخنان محمدبن‌سلمان درباره انرژی هسته‌ای ایران در زمره پروژه‌های ویرانگر با عبارت «مشارع هدامه» بازنمایی منفی می‌شود.

این نوع وصف کردن از نوع برجسته‌سازی بوده و قصد از جملات فوق این است که ایران

موجب اذیت اطرافیان می‌شود. در این کنفرانس خبری ولیعهد در مورد پیشگیری از دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای سخن می‌گوید و دستیابی ایران به این انرژی را موجب شعله‌ور شدن جنگی همچون جنگ جهانی دوم می‌داند. ولیعهد سعودی در ادامه اعلام کرد که کشورش «نبرد خود را در ایران» انجام خواهد داد و این امر نشان از احتمال دخالت مستقیم عربستان در ایران در راستای تضعیف جمهوری اسلامی دارد. با توجه به بحث نظری، عبارات مطرح شده دارای بار منفی برای فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی بوده و هدف از این‌گونه عبارات امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای ایران و معرفی آن به‌عنوان «خطر» بوده است.

۲. یکی دیگر از مصادیق این امر، برنامه گفتگوی ولیعهد عربستان سعودی با خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز است که در شبکه/العربیة پخش شد.^۱ وی در این برنامه در مورد دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، منفی‌ترین بازنمایی را در مورد مسئولان کشور به کار برده و شیوه حکمرانی را در ایران به شیوه یک‌سالاری که بر حزب نازی حکومت می‌کرد، تشبیه می‌کند. با توجه به مباحث نظری، بازنمایی منفی تعمدی این بیانات ممکن است این موضوع را به ذهن مخاطب متبادر کند که دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای باعث استفاده نادرست از آن خواهد شد.

۳. مورد بعدی مستندی است با عنوان «حکایة النووی الایرانی من الألف إلى الیاء متی بدأت و کیف صنعت أزمه عالمیه»؛ داستان هسته‌ای ایران از الف تا ی ... از کی شروع شد و چگونه یک بحران جهانی ایجاد کرد». این تله فیلم کوتاه درباره تاریخچه ساخت انرژی هسته‌ای ایران برای غنی‌سازی اورانیوم و احتمال وقوع جنگ بزرگ و تخریب کل منطقه و در مورد مهلت دو ماهه ایران به سازمان ملل برای موافقت یا از سرگیری غنی‌سازی را به تصویر می‌کشد. در این مستند با بازنمایی منفی، دستیابی

۱. قابل دسترسی در:

<https://farsi.alarabiya.net/tools/search?query>

۲. قابل دسترسی در:

<https://www.youtube.com/watch?v=IM9fTXVps14>

ایران به انرژی هسته‌ای را با واژه «أزمة عالمية: ایجاد بحران جهانی» بیان می‌کند. در این مورد، این رسانه در راستای امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران عبارت بحران جهانی را برجسته‌سازی می‌کند و این گمانه را در ذهن مخاطب می‌پروراند که اگر جلوی ایران گرفته نشود جهان با بحرانی جدی روبه‌رو خواهد شد.

۴. گزارشی با مضمون «النووی الايراني على خط الزلزال وجود منشآت النووية على خط الزلزال يثير تساؤلات قديمة جديدة... سلامة المفاعلات تهدد ايران ... و جيرانها والعالم:»^۱ تأسیسات هسته‌ای ایران در خط زلزله قرار دارد و وجود تأسیسات هسته‌ای در خط زلزله سؤال‌های قدیمی و جدیدی را مطرح می‌کند ... ایمنی راکتورها، ایران را تهدید می‌کند ... و همسایگانش و جهان را». این گزارش پس از زلزله‌های سال ۱۳۹۷ تهیه شده است که در آن به روی خط زلزله بودن تأسیسات هسته‌ای ایران می‌پردازد. در این گزارش وجود این تأسیسات روی خط زلزله به صورت خطری تهدیدآمیز برای ایران و همسایگان و جهانیان بازنمایی می‌شود و به مخاطب تلقین می‌شود که این تأسیسات حادثه‌آفرین خواهد بود.

۵. مورد بعدی مستندی حدوداً سه دقیقه‌ای است که در مورد سقوط پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین ساخته شده است و در آن با برخی جملات و لغات منفی به بازنمایی از ایران پرداخته می‌شود. از جمله: «لذا ما سيحل بالعالم لو امتلكت ايران قبله نووية إنكار ثم تبرير إبادة الملايين...»^۲ اگر ایران بمب اتمی داشته باشد، ابتدا انکار و سپس توجیه می‌کند». در این مستند که برخی از صحنه‌های سقوط هواپیما نیز در آن نشان داده می‌شود گوینده با الفاظی منفی، داشتن انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به سقوط هواپیما ربط می‌دهد و آن را به صورت ارزشی منفی بازنمایی می‌کند و به مخاطب بدین گونه القا می‌کند که جمهوری اسلامی ایران برای تصمیمات خویش و در اختیار گرفتن انرژی هسته‌ای از عقلانیت برخوردار نیست و در صورت دستیابی به آن خطرآفرین خواهد بود.

۱. قابل دسترسی در: <https://www.youtube.com/watch?v=IMOEGclvuLM>

۲. شبکه العربیه در ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۰ به صورت فیلم مستند کوتاه پخش کرده است.

این موارد تنها بخشی از ظرفیت‌های رسانه‌ای را در تقابل با رقبا و در جهت پیشبرد اهداف کشورها مشخص می‌سازد. نکته مهم این است که امروزه استفاده از رسانه‌ها برای امنیتی‌سازی، بازنمایی منفی، برجسته‌سازی، برچسب‌زنی، مشروعیت‌سازی و ... در عصر موسوم به ارتباطات از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای پیشبرد اهدافشان و نقش‌آفرینی در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و جهانی به‌شمار می‌رود.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش به‌طور واقع‌بینانه به موضوع بازنمایی رسانه العربیه عربستان سعودی در مورد برنامه هسته‌ای ایران طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ پرداخته و به‌دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که بازنمایی برنامه هسته‌ای ایران در شبکه ماهواره‌ای العربیه عربستان سعودی در این مقطع زمانی به چه صورت بوده و این کشور در این بازنمایی چه اهداف و سیاست‌هایی را مدنظر داشته است؟

مطالعات و تفحص‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از اصول مورد توجه این رسانه، امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و معرفی آن به‌عنوان تهدید و دشمن خارجی برای منطقه و جهان بوده است. این رسانه با الصاق برچسب امنیتی به برنامه هسته‌ای ایران، سعی داشته آن را به‌مثابه خطری در منطقه نشان دهد. در این رسانه برای امنیتی‌سازی از استراتژی برجسته‌سازی و بازنمایی تعمدی منفی درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران استفاده شده است. درواقع عربستان با ظرفیت رسانه‌ای خود از یک‌طرف برای تقابل با رقیب منطقه‌ای خود یعنی جمهوری اسلامی ایران عمل کرده و ازسوی دیگر با استفاده از استراتژی برجسته‌سازی در جهت نمایاندن رفتارهای مثبت خود گام برداشته است.

درواقع یکی از راهکارهای عربستان سعودی برای مقابله با ایران بهره‌گیری از رسانه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزار جنگ نرم بوده است. در مقطع زمانی مورد بررسی، اغلب رسانه‌های این کشور از بازنمایی منفی برنامه هسته‌ای ایران دریغ نکردند و در کنار آن تلاش شده ذهنیتی مثبت از عملکرد عربستان سعودی ایجاد شده و توافق هسته‌ای ایران زیر سؤال برده شود و چنین وانمود کنند که سازمان بین‌الملل، کشورهای عربی

را در برابر تهدیدی به نام ایران تنها گذاشته و برای این هدف از عباراتی با بار معنایی منفی در مورد ایران استفاده کرده تا در ذهن مخاطب شک و شبهه‌ای باقی نماند.

مهم‌ترین شیوه این رسانه‌ها بدیهی دانستن اطلاعاتی است که پذیرفتنی نیست و استفاده از پیش‌فرض‌هایی با ماهیتی کاذب است. در این صورت مخاطب اگر هیچ پیش‌زمینه یا نگاهی منفی به این موضع‌گیری نداشته باشد آن را به راحتی می‌پذیرد و راست می‌پندارد. البته گفتنی است یافته‌های این پژوهش به این معنا نیست که تنها کارویژه این شبکه نشر اطلاعات و اخبار کذب است بلکه واقعیت دنیای معاصر ایجاب می‌کند که بازیگران بین‌المللی برای پیشبرد اهداف خود از رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین بازوی جنگ نرم در رقابت‌ها استفاده کنند.

پیشنهاده‌ها

با توجه به موضوع پژوهش در جهت مدیریت این مسئله و برای رفع و خنثی‌سازی آن توصیه‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- بدیهی است عربستان سعودی و ایران از گفتگوی مستقیم سود بیشتری خواهند برد تا لفاظی‌های خصمانه؛ از این رو گفتگو و کار مشترک در مورد مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، کاهش درگیری و افزایش همکاری‌ها از طریق روابط دیپلماتیک به نفع هر دو کشور و منطقه است.
- عدم استفاده از زبانی مانند «هلال شیعی» و «هلال سنی» که نقش مخربی در روابط دو کشور ایفا می‌کند.
- بهره‌گیری از آموزه‌های باستانی و تمدن غنی ایرانی-اسلامی با تأکید بر ارزش‌های اعتدال، بردباری و گفتگو در جهت اصلاح امور و سیاست‌ها؛
- راه‌اندازی و برگزاری سخنرانی‌ها، درس‌ها، انجمن‌ها و کنفرانس‌های متعدد برای تحریک عقل داخلی و تعلیم فرهنگ جامعه ایرانی-اسلامی به جهانیان؛
- استفاده از ظرفیت سرمایه‌های اجتماعی مانند دانشمندان و فرهیختگان آشنا به زبان‌های مختلف در جهت آموزش فرهنگ ایران به سرزمین‌های خارجی؛
- استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان خارج از کشور برای معرفی و شناساندن فرهنگ و

- سیاست‌های مثبت و صلح‌طلبانه خود به جهان خارج؛
- علاوه بر چاپ مجلات بیشتر، به استفاده از فناوری‌های اینترنتی برای انتشار اطلاعات مناسب و بازنمایی مثبت پرداخته شود؛
- ایجاد بورسیه‌هایی برای تشویق جنبه فکری کشور و جذب دانشجویان خارجی؛
- حمایت از کارشناسان و صاحب‌نظران رسانه‌ای به‌لحاظ مادی و معنوی برای تقویت اشکال مختلف قدرت نرم جمهوری اسلامی؛
- تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای بیشتر به زبان‌های مختلف به‌ویژه عربی و انگلیسی و پربار کردن محتوای این شبکه‌ها با ساخت مستندهای مختلف و بهره‌گیری از بازنمایی رسانه‌ای و مقابله به‌مثل کردن با رسانه‌های تحت کنترل سعودی‌ها؛
- ایده‌های متفاوتی در مورد سیاست و امور منطقه‌ای وجود دارد، امید است این پژوهش موجب افزایش پتانسیل همکاری و تحقیقات نوین و شاید مهم‌تر در زمینه موضوع بحث یا فراتر از آن از جهات گوناگون باشد.
- موضوع‌های پیشنهادی برای تحقیقات آینده نیز می‌تواند این موارد باشد:
- تحلیل محتوای منتشر شده رسانه العربیه پس از سال ۲۰۲۰ تاکنون درخصوص سیاست‌های ایران،
- استراتژی نرم ایران در مقابله با بازنمایی رسانه‌های عربستان سعودی،
- بازنمایی برنامه هسته‌ای ایران از سوی شبکه الجزیره و غیره.

منابع و مأخذ

۱. تاجیک اسماعیلی، سمیه و شادی مکی (۱۳۹۶). «رسانه‌های عربی و تفرقه‌آفرینی مذهبی در خاورمیانه؛ مطالعه موردی عملکرد شبکه العربیه»، *مطالعات سیاسی*، ش ۳۵.
۲. خالق‌پناه، کمال (۱۳۸۸). *نظریه گفتمان به مثابه روش‌شناسی مطالعات فرهنگی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶). «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، *مطالعات خاورمیانه*، ش ۵۰ و ۵۱.
۴. سالیوان، تام و همکاران (۱۳۸۵). *مفاهیم کلیدی ارتباطات*، ترجمه میرحسن رئیس‌زاده، تهران، نشر فصل نو.
۵. سرابی، سعید، محسن شاکری‌نژاد و محمدرضا جاسم‌زاده (۱۳۹۴). «شیوه استفاده شبکه العربیه از شگرد تفرقه‌افکنی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، ش ۱۲ و ۱۳.
۶. شبکه الأخبار (الأربعاء ۲ تشرين الأول ۲۰۱۹)، «خطّان لخرق ایران من الداخل: إعلام وأمن وتجويع... فانقلاب»، https://www.al-akhbar.com/KSALeaks_Iran/277163
۷. لاکوست، ایو و بئتریس ژیلبن (۱۳۷۸). *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک*، ترجمه علی فراستی، تهران، نشر امن.
۸. مطلبی، مسعود (۱۳۹۹). «رسانه و افکار عمومی؛ بازشناسی عملکرد شبکه العربیه در پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی در جهان عرب»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال دهم، ش ۲.
۹. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۰). *رسانه‌ها و بازنمایی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها*.
۱۰. هرمن، ادوارد اسن و نوام چامسکی (۱۳۸۵). *فیلترهای خبری*، ترجمه تژا میرفخرایی، تهران، انتشارات مؤسسه ایران.

11. Buzan, B., O. Waever and J. de Wilde (1998). *Security – A New Framework for Analysis*, Colorado: Lynne Rinner Publishers, Inc., Boulder.
12. Chandler, Daniel (2003). “Technological or Media Determinism”, *Media and Communications Study*.
13. Drum, Jessica (Jun 30, 2008). “Vying for Influence: Saudi Arabia’s Reaction to Iran’s Advancing Nuclear Program”, <https://www.nti.org/analysis/articles/saudi-reaction-irans-nuclear-program>, Accessed: 2022/09/05.
14. Guzansky, Yoel and Udi Dekel (2015 March 25). “Recognizing Iran as a Nuclear Threshold State: Implications for Israel and the Middle East”, *The Institute for National Security Studies*.
15. Hall, S. and S. Jhally (2007). *Representation and the Media*, Northampton: MA.
16. Hall, Stuart (1997). *Cultural Representation and Signifying Practice*, London, Sage Publications.
17. ----- (2003). “The Work Representation”, In Stuart Hall (Eds.), *Representation: Cultural Representation and Signifying Practices*, London, Sage Publications.
18. Heydarian, Richard Javad (2010). “Iran-saudi Relations: Rising Tensions and Growing Rivalry”, *Foreign Policy in Focus*: Accessed 4 December 2011, http://www.fpif.org/articles/iransaudi_relations_rising_tensions_and_growing_rivalry.
19. <http://alarabiya.farsi.net>
20. <http://alarabiya.net>
21. <https://english.alarabiya.net/webtv/programs/inside-iran.html>, Alarabiya.net.
22. <https://farsi.alarabiya.net/tools/>
23. <https://www.youtube.com/watch?v=IMOEGclvuLM>.
24. <https://www.youtube.com/watch?v=KSkNJpJj8>
25. <https://www.youtube.com/watch?v=IM9tTXVps14>.
26. Kamali Dehghan, Saeed (03 July 2013). “Iran Tightens Online Censorship to Counter US ‘shadow Internet’ ”, *The Guardian*, 13 July 2011, Online.
27. Khaitous, Tariq (2007). “Egypt and Saudi Arabia Policies Towards Iran's Nuclear Program”, <https://www.nti.org/analysis/articles/egypt-and-saudi-policies-toward-iran/> Accessed: 2022/05/09.
28. Lewis, Bernard (2003). *The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror*, Later ed. New York, Modern Library.

29. Merriam-Webster, "Representation" Merriam-Webster.com Dictionary, <https://www.merriam-webster.com/dictionary/representation>. Accessed 9 Nov. 2022.
30. Nye, Joseph S. (2008). "Public Diplomacy and Soft Power", The Annals of the American Academy of Political and Social Science.
31. Oxford Dictionary (1997). 2nd Edition.
32. Taylor, Adam (January 27, 2015). "The First Time a U.S. President Met a Saudi King", *Washington Post*, Accessed: 2022/05/9.